

بررسی کتاب

شهاب ستوده‌نژاد

● بازتاب تمدن‌های اشکانی - ساسانی بر سه پادشاهی در شبه‌جزیره‌ی گره: زمستان ۱۳۸۳. آشیانه‌ی کتاب، چاپ اول: تهران.

پیشگفتار

ما این جا با یک بررسی آکادمیک روبه‌رو هستیم و نه نقدی از نویسنده و یا مولف. موضوع این بررسی منابع و دسترسی و یا عدم دسترسی به منابع است. آیا لفظ «بازتاب» هنوز در جامعه‌ی کتاب‌خوان‌های ایران به خوبی جا نیفتاده است؟ به احتمالی، این لفظ، بیانگر مفهوم‌های چندگانه‌ای است که در یک مرحله‌ی نهایی، شامل نوعی تعریف از تاثیرات است.

وقتی که متن فارسی به آشیانه‌ی کتاب ارسال شد، ناشر پیرامون کاربرد لفظ «بازتاب» با نویسنده به گفت‌وگو نشست. البته، به دلایلی چند، اگر به پدیده‌های نفوذی بنگریم، واژگان متعددی برای اشاره به‌رخنه و جذب و نفوذ وجود ندارد، زیرا «تاثیرات» تمدن‌های اشکانی - ساسانی مدنظر قرار دارند. اما هر پژوهشگری که با موضوع خاور دور آشنایی داشته باشد در نهایت، انگیزه‌ی جامعی در دنبال‌گیری عنوان فعلی این کتاب را خواهد داشت، زیرا اشکانیان و ساسانیان بازتابی فرهنگی در شبه‌جزیره‌ی گره داشته‌اند که به نوبه‌ی خود جذاب و دانستنی است.

اشاره به گره در ارتباط با ایران باستان به عنوان موضوعی نو در محافل علمی - دانشگاهی مطرح است. ما عادت داشته‌ایم که به چین، ژاپن و خاور دور، و تا اندازه‌ای نیز به «ماچین» اشاره کنیم. البته، نوشته‌های پراکنده پیرامون آسیای جنوب شرقی، و هندوچین نیز وجود دارند، و بدون حضور انگیزه‌های تطبیقی، در لغت‌نامه دهخدا نیز ما به این‌گونه اشاره‌ها برخورد می‌کنیم، اما، تا حالا متنی که به‌طور جامع به تمدن گره، و ارتباط گره‌ی باستان و تمدن باستانی پارس

بپردازد کم‌تر به رشته‌ی تحریر درآمده است. در این راستا، وقتی که مولف چند سال پیش، به واحد نشریات مرکز نشر دانشگاهی رفت و آمدی داشت، یکی از دست‌اندرکاران مجله‌ها که پیشنهادی را در مورد آماده‌سازی یک متن پیرامون تمدن‌گره برای ارزیابی انتشار در آن مرکز مورد توجه قرار دادند، در عین حال با کنجکاوی جالب توجهی پرسیدند: آیا به اندازه‌ی کافی منابع مطالعاتی و ماخذ برای نگارش کتابی پیرامون تمدن‌گره وجود دارد؟. این پرسش را باید نکته‌سنجی تلقی کرد، زیرا حاوی نکته‌های حساسی است. در نگاه اول، منابع مورد نیاز برای چشم‌انداز در این موضوع کمیاب، و یا در کمیت به نظر می‌رسد. در نگاه دوم، مسأله‌ی موقعیت و بودجه نیز مطرح است. از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی با استادان دانشگاهی در کره‌ی جنوبی تماس‌هایی برقرار، و حتا منابعی نیز از آن‌ها دریافت می‌شد. بنابراین، پاسخ‌ارایه نشده به کارمند مرکز نشر دانشگاهی، همانا حاوی یک نکته‌ی بسیار مهم است که: شرایط چه باشد، و دارای چه نوع ارتباطاتی در این زمینه‌ها باشیم. مسأله‌ی دسترسی به منابع تحقیقاتی در امر پژوهش، و یا آماده‌سازی تز دکترا، و در نهایت متن‌هایی برای انتشار، موضوعی نسبی و تجربی است. یک دانشجوی رشته‌ی دکترا، یک‌بار از پژوهشگری ایرانی پرسید: چطور می‌توان اطمینان داشت که در مرحله‌ی نهایی آماده‌سازی تز، به‌همه‌ی منابع اساسی و جدیدترین کشف‌ها دسترسی پیدا کرده‌ایم؟

پاسخ این پرسش جالب و مهم، روشن است: یک دانشجوی بادقت و کنجکاو و اهل مطالعه، خود آگاهانه و یا ناخودآگاهانه، از میزان دسترسی به جدیدترین منابع ارضا شده است. در همین راستا نیز، نوشته‌های کتاب: بازتاب تمدن‌های اشکانی - ساسانی بر سه پادشاهی در شبه جزیره‌ی گره، دارای بُعدهای آنالیزگونه است، زیرا نشانه‌های باستانی «پارس» در گره‌ی باستان بسیار اندک‌اند، ولی در عین حال، همه‌ی ایرانیان باستانی از هویت سرزمین پارس نبودند، و تا به امروز مورخان ایرانی، در حال بحث پیرامون اصل و نسب و محو آثار دوره‌ی اشکانی در عصر ساسانیان هستند.

ما تاثیر آن را در شاهنامه‌ی فردوسی به‌روشنی مشاهده می‌کنیم و با این شرایط، زبان‌شناسان به‌عنصرهای مشترک «تورانی» و اشکانی در میراث آریایی اشاره می‌کنند. ایرانیان اوستایی و آریایی از هویت‌ها، و لهجه‌ها و آداب و رسوم مختلفی بودند، و هند و ایرانی‌های سکایی نیز به‌ادعای هخامنشیان، خویشاوندان قوم پارس بودند. ما امروزه، در مکان‌های باستان‌شناسی در شبه‌جزیره‌ی گره، نشانه‌هایی را مشاهده می‌کنیم که، دارای بُعدهایی ایرانی هستند. در عین حال، فلات باستانی و اقوام خویشاوند ایرانی در آسیای میانه، و قفقاز، و حتا

دورتر در کریمه و اوکراین، و جلگه‌های میان آسیا و اروپا، تمدن‌هایی سرچشمه‌گرفته از هویت‌هایی هند و ایرانی بنا نهادند که، به‌طور تطبیقی عناصری از تار و پود تمدن‌های محوری آنان را با میراث هنری - فلزی‌گره، قابل مقایسه به‌شمار می‌آورند.

بنابراین، کاربرد لفظ «بازتاب» در عنوان این کتاب، ضروری به‌نظر می‌رسید. مردمان انگلیسی زبان ضرب‌المثلی دارند: کتاب را با جلدش نمی‌سنجند. در واقع باید تایید کرد که این کتاب، یک بازتاب‌گره‌ای از کتاب دیگر: سلسله‌ی یاماتو در ژاپن و تمدن باستانی پارس، است و اگر بخواهیم اشاره‌ای واضح‌تر ارایه کنیم، مانند این می‌ماند که از پژوهشگر بخواهند که دو کتاب بنویسد: یکی در مورد ایران باستان، و دیگری در مورد افغانستان باستان. آیا نوشته‌های این دو کتاب، شباهت نخواهند داشت؟ با این حال، هر دو کتاب، محتوایی متفاوت خواهند داشت. یک دانشجوی ژاپنی که به‌تازگی از یکی از دانشکده‌های دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده است، و تسلط به زبان فارسی دارد، پس از آگاهی از انتشار کتاب‌های ژاپن و گره اظهار داشت: «ژاپن و گره برادر، و چین پدر است». ما همین نوع برداشت از مشترکات جوامع آسیایی را از قول هرودوت در تاریخ می‌خوانیم که، پارس‌ها را مدعی همبستگی، و اشتراک فرهنگی با تمامی ملت‌ها و قوم‌ها و طایفه‌های آسیایی می‌شناساند.

شاید خوانندگان کنجکاو، مایل باشند بدانند که چند ماه پس از انتشار کتاب‌های ژاپن و گره، و یا شاید هم به‌طور هم‌زمان، کتابی در یکی از ممالک غربی به‌رشته‌ی تحریر درآمده است که، در سال ۲۰۰۵ سعی دارد به‌نشانه‌هایی هند و اروپایی در میراث عصر سنگی ژاپن بپردازد. در هر حال، باید گفت که استادان دانشگاهی در خاور دور، از مدت‌ها پیش، نظریه‌هایی پیرامون عناصری هند و اروپایی در میراث تمدن‌های مختلفی در خاور دور را مطرح کرده بودند.

اما در متن فعلی، پیرامون رخنه‌ی عناصری ایرانی به‌شبه جزیره‌ی گره، اشاره‌ای مرحله‌ای هستند، و از پیش از تاریخ، وارد زمینه‌ی نیمه تاریخی و ظهور سلسله‌های بومی و نشو و نما‌ی تاثیرات خارجی، و از جمله ایرانی و «اسلامی» تا بعد از اتمام عصر ساسانی است. برای استادان و پژوهشگرانی که خارج از موضوع‌های اصلی، به‌دنبال منابع اصیل و جامع پیرامون بودیم، جاده‌ی ابریشم، تاریخچه‌ی هنر، زبان‌شناسی، سفال‌شناسی، انتقال موسیقی و صنایع دستی هستند، این متن در سطح بالاترین مراجع، هر تزی را ارضا خواهد کرد. یک حقیقت دیگر این‌که یک تمدن ایرانی با تمدن گره دارای تماس بوده است.